

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که در مرحله دوم، بحث این است که با نگاه به فقه الحکومه آیا موانعی برای استخراج یا مبادله با رمزارز مخصوصاً بیت کوین متصور است یا نه؟

مانع اول: مبادله رمزارز، دخالت در وظائف حاکمیت

اولین مانعی که ممکن است تصور بشود و قبلاً هم اشاره کرده‌ایم این است که گفته شود ضرب پول از وظائف بلکه حقوق حاکمیت است لذا استخراج بیت کوین که همانند ضرب پول است صحیح نیست زیرا دخالت در وظائف حاکمیت است، استخراج که مشروع نباشد ممکن است بگوییم مبادله آن هم مشروع نیست.

این اشکال را در مرحله اول توضیح دادیم و گفتیم که آنچه که قاطبه اهل سنت قائلند که ضرب نقود از وظائف و حقوق منحصر حاکمیت است قابل قبول نیست و ادله آنها ابطال شد و ادله‌ای اقامه کردیم که از آنها استفاده می‌شود غیر حاکمیت هم اجازه این کار را دارد.

مانع دوم: مبادله با بیت کوین سبب سلطه کفار بر مسلمانان است

وجه دوم برای اینکه عنوان ثانوی مانع از معاوضه با بیت کوین است احتیاج به یک مقدمه دارد.

مقدمه: از طرفی تمام بیت کوین‌های قابل تولید بر اساس برنامه نرم افزاری که بیت کوین طراحی کرده، ۲۱ میلیون بیت کوین است که بیش از این نمی‌شود استخراج کرد، و هر بیت کوین هم تا هشت رقم اعشاری قابل تقسیم است، که مقدار کل اجزاء بیت کوین که قابل خرج و مبادله است بیش از ۲ هزار تریلیون ساتوشی می‌شود که آخرین مقطع تقسیم بیت کوین است. که اگر روزی کل جهان هم بخواهند با بیت کوین معاوضاتشان را انجام بدهند مشکلی نخواهد بود و می‌توانند معاوضاتشان را با بیت کوین انجام بدهند، حدود هشتاد درصد کل بیت کوین‌ها هم می‌گویند استخراج شده و حدود چهار میلیون باقی مانده است.

از طرف دیگر هویت دارنده و گیرنده بیت کوین‌ها معلوم نیست چون حتی یک شخص می‌تواند به نام خودش ده‌ها بلکه صدها کیف پول ایجاد کند چون ایجاد کیف پول با ایمیل است و هویت خودش را مخفی کند. لذا گاهی ممکن است یک دولت یا یک مؤسسه خاص یا یک سازمان خاص مقدار زیادی از بیت کوین‌ها را تصاحب کند و عملاً نبض اقتصاد بیت کوین به دست او باشد، آنگاه این مؤسسه یا سازمان در بیت کوین به هر صورتی که خواست تصرف کند، عرضه کند به بازار و قیمت را تنزل بدهد و یا جلوی عرضه را بگیرد و قیمت را ارتفاع بدهد. الان هم بعضی ادعا می‌کنند از این حدود هفده یا هجده میلیون بیت کوین استخراج شده، سی و پنج درصد آن طبق احصائی که شده در اختیار پانصد حساب است، اینها چه کسانی هستند معلوم نیست؟ لذا برخی ادعا می‌کنند که الان هم ممکن است گفته شود معظم بیت کوین‌ها تحت مالکیت یک کشور کفر و بعضی در نوشته‌های خودشان ادعا می‌کنند در اختیار صهیونیست‌ها است مثلاً، لذا اگر مبادله با بیت کوین در کشورهای اسلامی شیوع پیدا کند، از آن طرف معظم مالکیت بیت کوین‌ها در اختیار بلاد کفر باشد، سبب سلطه کفار بر مسلمانان شود «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» لذا اگر مبادله در کشورهای اسلامی سبب سلطه دیگران بر آحاد امت اسلامی یا بر کشور اسلامی بشود قاعده نفی سبیل می‌گوید این معاوضه باطل است، پس از این جهت کسی ادعا کند هر چند طبق احکام اولی مالیت بیت کوین ثابت شود و غرر وجود نداشته باشد ولی چون سبب سلطه کفار بر مؤمنین می‌شود مبادله بر آن جایز نیست.

عرض می‌کنیم اولاً این نگاه، صرف یک ادعا است و اثبات شده نیست، یعنی هر کسی این مسئله را مطرح می‌کند به عنوان یک احتمال مطرح می‌کند و قرائنی بر آن اقامه نمی‌کند.

از طرف دیگر بر فرض چنین شکی برای مکلف ایجاد شود، باید چه کند؟ مکلف می‌خواهد با بیت کوین مبادله کند این احتمال برای او شک ایجاد کرده است که آیا این مبادله مصداق و یا مقدمه‌ای برای سلطه هست یا نه؟ اینجا مسئله در واقع تشخیص مصداق یک موضوع است، یعنی یک موضوع داریم سلطه کفار بر مسلمانان، یک حکم تکلیفی دارد عملی که سبب سلطه کفار بر مسلمانان شود حرام است و یک حکم وضعی هم دارد که آن عمل اگر معاوضه باشد و اثر شرعی داشته باشد باطل و کأن لم یکن است، شک مکلف در این است آیا معاوضه بر بیت کوین مصداق این موضوع است یا مصداق این موضوع نیست؟

یک بحث بسیار مهم و طولانی است که ما اینجا می‌خواستیم وارد شویم دیدیم خیلی مفصل است، لذا اینجا خیلی مختصر اشاره می‌کنیم که نتیجه را بگیریم، و آن اشاره این است که موضوعات احکام شرعی، گاهی ماهیت مخترع شرعی است، مثل صلاه، صوم، حج و گاهی موضوع ماهیت مخترع شرعی نیست، مثل دم، خمر، آنیه ذهب و فضا. اگر موضوع ماهیت مخترع شرعی باشد بدون شبهه شناخت مفهومش به دست شارع است، ما باید ببینیم شارع این ماهیتی را که اختراع کرده است، مفهوم این موضوع در نزد شارع یعنی چه؟

اما اگر موضوع حکم ماهیت مخترع شرعی نباشد مثل خمر و دم، در تشخیص مفهوم موضوع حکم شرعی به عرف عام مراجعه می‌کنیم، عرف عام دقی نه عرف عام مسامحی. لذا دیدید در کلمه آنیه ما برای اینکه مفهومش را بفهمیم به عرف عام رجوع کردیم، لغویین چه می‌گویند؟ قرائن اقامه کردیم که مفهوم آنیه برای ما روشن شود. حتی گاهی از راه استقراء مصادیق به مفهوم می‌رسیم که روشن است. اگر در این موضوعات غیر مخترع مفهوم روشن بود، شک داشتیم آیا این مصداق، مصداق آن مفهوم هست یا نیست؟ آیا ظرفی که آبکاری شده با نقره یا با طلا مصداق آنیه ذهب و فضا است یا مصداق آنیه ذهب و فضا نیست؟ اینجا مرجع برای تشخیص چه کسی است؟ یک اختلاف طولانی است که الان وارد نمی‌شویم و فقط اشاره می‌کنیم آیا در تشخیص مصداق یک مفهوم مرجع عرف عام است یا نه مرجع دقت عقلی است یا مرجع عرف خاص است؟ که باید زیاد بحث شود، من فقط به مختار خودمان اشاره می‌کنم، خلاصه مختار ما این است که مصادیق موضوعات بر دو قسم است:

قسم اول: گاهی مصادیقی است که مثل مفهوم برای عرف عام روشن است، تأمل و تردید در آن ندارد، مثل همان ظرف آبکاری شده با طلا و نقره، آیا مصداق آنیه ذهب و فضا است؟ عرف می‌گوید این آبکاری شده و آنیه ذهب و فضا نیست، مصادیق یک مفهوم اگر مصداق پیچیده‌ای نباشد عرف عام نظر می‌دهد باز مثل مفهوم، نظر عرف عام معتبر است.

قسم دوم: اگر مصداق، مصداق پیچیده‌ای است که عرف عام در این مصداق پیچیده متحیر است، اینجا مکلف باید مراجعه کند به عرف خاص یعنی نظر کارشناسان آن موضوع و آن مصداق، در مبحث بیت کوین، آیا امروز مبادله با بیت کوین مصداق سلطه کفار هست یا مصداقش نیست؟ عرف عام نمی‌تواند نظر بدهد. اینجا وظیفه مکلف مراجعه به عرف خاص و عرف کارشناسی است، کارشناسان خبر یا خبرگان با آن شرائطی که در جای خودش مطرح است که الان وارد نمی‌شویم باید نظر بدهند، نظر آن کارشناسان برای مکلف معتبر است و طبق نظر آنها باید عمل کند. اگر نظر دقی به این نتیجه رسید که بله سبب سلطه هست، مبادله‌اش باطل است و حکم تکلیفی حرمت هم دارد اگر نظر به آنجا نرسید نه.

بله اگر در کشوری حاکمیت اسلامی بود مثل ایران، اینجا حکومت اسلامی با مراجعه به نظر کارشناسان مسئله را بررسی می‌کند و بعد به مردم اعلام می‌کند. یا می‌گوید از این جهت منعی ندارد یا می‌گوید از این جهت مشکل دارد.

بنابراین نسبت به این اشکال و شبهه ما ورود نمی‌کنیم که هست یا نیست، نظر کارشناسان معتبر است، بله گاهی در بعضی از مصادیق اگر مرجع تقلید به یک نتیجه‌ای رسید و حکم کرد، حکم او واجب الاتباع است هر چند نظر شخص مکلف از نظر کارشناسی این مصداق، مخالف با نظر مرجع تقلید باشد یا مخالف با نظر ولی فقیه باشد، ولی اگر حکم کرد نظر او متبع است، مثل حکم **میرزای شیرازی** به حرمت تنباکو، که امروز استعمال تن و تنباکو در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، اینجا در حقیقت، مدرک قاعده نفی سبیل است و مصداق این موضوع را فقیه تشخیص داده و حکم کرده است یک یک قسمتی را ما در بحث اجتهاد و تقلید اشاره کرده‌ایم.

ما چند نکته را در رابطه با رمازرها که به نظر ما از وظائف حاکمیت است ذیل این بحث فقط اشاره می‌کنیم و توضیح مبسوط نمی‌دهیم.

نکته اول: با توجه به مصرف انرژی بالا در فرآیند استخراج و به اصطلاح آقایان در ماینینگ و اینکه سبب هدر رفتن منابع انرژی در فرآیند استخراج می‌شود و این نوعی تجاوز به حقوق عام است، وضع قوانین برای این فرآیند بسیار لازم است. یعنی حاکمیت باید برای فرآیند استخراج قوانینی وضع کند که موجب هدر رفتن منابع انرژی نشود مخصوصاً در کشورهایی که منابع انرژی محدود است، این وظیفه حاکمیت است و اگر حاکمیت این کار را نکرد و عده‌ای این فرآیند را انجام دادند حاکمیت مسئول است.

نکته دوم: حاکمیت در خصوص مدیریت فرآیند استخراج باید سیاست گذاری مناسبی داشته باشد، از این جهت که فرصت مساوی به همه افشار جامعه در دسترسی و وصول به این فرآیند بدهد، زیرا دسترسی ناعادلانه به این فضا و استفاده افراد خاص از این فضا مخالف با عدالت اقتصادی است.

نکته سوم: وقتی که ما در گذشته توضیح دادیم فرار مالیاتی در رمزارزها کاملاً متصور است چون از دارایی‌های است که مخفی کردن آن خیلی واضح است، لذا از وظائف حاکمیت جامعه است که قانون یا راه کارهایی را ارائه کند برای وضع و اخذ مالیات از دارایی‌های رمزارزی، جلوگیری از فرار مالیاتی، مالیات بر استخراج، مالیات بر مبادله، مالیات در اصل دارایی مثل دارایی‌های غیر رمزارز یعنی به صورتی نباشد که کسی که دارایی غیر رمزارزی دارد همه نوع مالیات‌ها بر او اعمال شود و کسی که دارایی رمزارزی دارد از تمام این مالیات‌ها معاف باشد.

نکته چهارم: چون مبادله با رمزارز بسیار آسان است و تحت نظارت بانک مرکزی و یک حاکمیت نیست ممکن است عده‌ای برای حمایت مالی از گروه‌های تروισتی یا گروه‌های معاند ضد مذهب و نظام در فضای مبادلات تجاری از رمزارزها استفاده کنند اینجا هم از وظائف حاکمیت است قوانینی وضع کند برای جلوگیری از این سوء استفاده از رمزارزها. این تمام کلام در اصل بحث رمزارزها.

چند سؤال پیرامونی مهم وجود دارد که به این سؤالات باید پاسخ داده شود.

سؤال اول: وضعیت معاملات با رمزارزهاست، برخی از معاملات ممکن است یک ابهام‌هایی در آنها به وجود بیاید مثل مضاربه، که توضیح و بررسی آن خواهد آمد.